

تحلیل گفتمان قرآن کریم در حسنات و اعمال صالح

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۳۰)

خدیجه احمدی بیغش^۱

چکیده

اعمال انسان، موجب سعادت و شقاوت او در دنیا و آخرت می‌شود و چون انسان زندگی ابدی در پیش دارد، چگونگی عمل او در دنیا و فراهم آوردن توشه برای آخرتش، حائز اهمیت است. قرآن برای نظام‌مند کردن ذهن مخاطب و ایجاد تحول در اندیشه او از شبکه معنایی بهره گرفته است. در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، به تحلیل گفتمان قرآن در تفاوت حسنات و اعمال صالح پرداخته شده است. بررسی حوزه معنایی حسنات و اعمال صالح در قرآن و دلالت آنها بر معانی و مصادیق متعدد نشان می‌دهد، حسنات به دلیل دامنه گسترده آن، عام بوده و حتی اعمال صالح و ثواب را نیز شامل می‌شود، در حالی که برعکس آن ممکن نیست؛ یعنی تنها برخی از حسنات، عمل صالح محسوب می‌شوند. **واژگان کلیدی:** گفتمان قرآن، حسنات، اعمال صالح.

۱. مقدمه

از ضرورت‌های مهم در پژوهش‌های دینی، به‌کارگیری دانش‌ها و ابزار جدیدی است که در سایه آن دریچه‌ای جدید به فهم متون دینی باز شود و نوعی تدبیر روشمند در آیات الهی و زمینه‌ای برای دستیابی به معانی و نکات نهفته در آیات فراهم آید. قرآن کریم نیز پیوسته بر تدبیر در آیات تأکید دارد: ﴿كُنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكًا لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص/۲۹) با مطالعه گفتمان قرآن، شبکه‌ای منسجم از معانی یافت می‌شود که در آن، آیات به کمک یکدیگر تبیین و مجموع آیات در کنار یکدیگر ما را به فهم دقیق‌تر می‌رسانند. از میان حوزه‌های معنایی متعدد در قرآن، حوزه معنایی حسنات و اعمال صالح، محور پژوهش حاضر است. ضرورت پرداختن به موضوع حاضر به آن دلیل است که در بخش گسترده‌ای از آیات قرآن به «اعمال» انسان پرداخته شده است و از آنجا که اعمال انسان پس از مرگ،

دست‌مایه معیشت او خواهد بود (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵، ۲۰۱) و اصل داوری در قیامت برای ارائه اعمال انسان (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۸، ۳۹۷) است، لذا پرداختن به این مقوله اهمیت بسیار دارد.

واژه‌های «حسنه» و «صالح» به لحاظ ریشه لغوی، موارد استعمال و مصادیق با یکدیگر تفاوت دارند. «حسنه» نعمت مطلوب و شادکننده‌ای را گویند که به انسان می‌رسد و در قرآن کریم، گاه به معنای عام آمده که شامل هر کار نیکی می‌شود و عمل صالح یکی از مصادیق و نتایج آن است. گاه نیز بالعکس حسنه، به معنای ثواب و نتیجه عمل صالح آمده است. در آیات و روایات، گاه به هر کار خوبی حسنات گویند که در این صورت عمل صالح یکی از مصادیق حسنات است. گاه نیز حسنات به معنای ثواب آمده است. در این پژوهش به منظور بیان تفاوت معنای میان حسنات و اعمال صالح در تحلیل گفتمان قرآن کریم، ابتدا به مفهوم عمل و فعل اشاره و حوزه‌های معنایی حسنات و عمل صالح مشخص و سپس مصادیق حسنات و اعمال صالح از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

یکی از آموزه‌های مهم در قرآن کریم، توجه به اعمال صالح و حسنات است و ائمه معصوم (علیهم السلام) در روایات خود بسیار بدان‌ها پرداخته و سعادت دنیا و آخرت را در گرو کسب این اعمال دانسته‌اند. در این عرصه تحقیقات مختلفی انجام گرفته است که برخی از آنها عبارت‌ند از:

۱- مقاله «عمل صالح از منظر قرآن کریم»، اثر کامران ایزدی مبارکه، نشریه ایحا، ۱۳۹۱، که رابطه عمل صالح با ایمان، آثار عمل صالح و مقتضیات و موانع عمل صالح را بررسی کرده است.

۲- مقاله «نگاهی به عمل صالح از دیدگاه قرآن»، اثر سید مهدی حسینی عربی، نشریه رسالت، ۱۳۸۵، که اعمال صالح را از دیدگاه قرآن بیان داشته است.

۳- مقاله «موانع ایمان و عمل صالح در قرآن»، اثر محمدهادی سجادی، مجله طوبی، ۱۳۸۵، که موانع ایمان و عمل صالح را بر شمرده است.

۴- مقاله «رابطه ایمان و عمل صالح»، اثر صدیقه افتاده، نشریه کیهان، ۱۳۸۶، که به رابطه ایمان در انجام عمل صالح پرداخته است.

۵- مقاله «مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن»، اثر سید حسین محمدجعفری، مجله سفینه، ۱۳۸۹، که عمل صالح را در نظام اخلاقی مفهوم‌شناسی کرده است.

۶- پایان‌نامه عمل صالح در قرآن و حدیث، اثر حسین صادقی، ۱۳۷۷، که مصادیق عمل صالح را از دیدگاه قرآن و حدیث معرفی کرده است.

۷- پایان‌نامه عمل صالح و پیامدهای آن در قرآن، اثر علی‌اکبر امیراحمدی، ۱۳۷۷، که اثرات عمل صالح در قرآن را بیان کرده است.

۸- پایان‌نامه حیات طیبه در پرتو ایمان و عمل صالح، اثر طاهره ماهروزاده، ۱۳۸۴، که اثرات ایمان و عمل صالح را در سعادت‌مندی انسان مورد بررسی قرار داده است.

۹- پایان‌نامه حقیقت ایمان و عمل صالح و رابطه آن دو با ولایت، اثر حسین جعفری، ۱۳۸۵، که اثرات ایمان و عمل صالح را در ولایت‌پذیری انسان مورد بررسی قرار داده است.

۱۰- پایان‌نامه بنیادهای عمل صالح از دیدگاه آیات و روایات، اثر اعظم ابراهیمی، ۱۳۸۶، که علل انگیزشی انجام اعمال صالح از دیدگاه قرآن و حدیث را بررسی کرده است.

در تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته، عمل صالح در قرآن مورد توجه قرار گرفته است، اما تحقیقی که تحلیل گفتمان قرآن در بیان معناشناسی حسنات و اعمال صالح را مورد توجه قرار داده باشد، یافت نشد. لذا این پژوهش درصدد است تا به شکلی گسترده‌تر، این موضوع را مورد ارزیابی قرار دهد.

۳. واژه «عمل» و «فعل»

دو واژه «عمل» و «فعل» از کلیدواژه‌های مهم در حیطه اعمال به شمار می‌آیند. *عَمَلٌ*، هر فعل و کاری است که با قصد از انسان سرزند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۷) مصطفوی بر این عقیده است که به تحقق فعل در خارج، «عمل» گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، به تحقق حالات باطنی با قصد و اختیار در خارج، «عمل» اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸، ۲۷۳) برخی، اصل «عَمَلٌ» را در لغت «دوؤب» به معنای کوشش و نیز خسته شدن در کار ذکر کرده‌اند. (عسکری، ۱۴۱۸: ۱۲۷)

اما *فِعْلٌ*، در لغت به معنای انجام‌دادن (کار) است. وقوع خارجی فعل را عمل گویند. فعلی نفسه متصف به مدح و ذم نیست، بلکه تابع خصوصیات متعلق خویش است تا فعل معروف یا فعل منکر شناخته شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹، ۱۲۷) «عمل»، اخصّ از «فعل» است؛ زیرا «فعل» گاهی درباره حیوانات و جمادات نیز به کار می‌رود، در حالی که واژه «عمل» درباره انسان و ناشی از قصد و اراده اوست. همچنین آنچه سبب تمایز فعل از عمل می‌شود، مؤلفه قصد و اراده‌ای است که در عمل وجود دارد. در قرآن هر عمل و فعلی تابع خصوصیات است. واژه‌هایی چون *حَسَنٌ*، *خَیْرٌ*، *صَالِحٌ* و *بِرٌّ* از توصیفات است که درباره اعمال به کار رفته است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲، ۵۱۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶، ۳۲۲)

۴. مفهوم «حسنت» در قرآن

حسنت، از جمله واژگانی است که برای مفهوم‌سازی اعمال در قرآن از آن بهره گرفته شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا﴾ (انعام/۱۶۰) و ﴿مَنْ جَاءَ

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا» (قصص/۸۴؛ نمل/۸۹) از وصف «حسنة» برای عمل نیک بهره گرفته شده است. این واژه از ریشه «حسن» و در مقابل سیئی و قبیح قرار دارد و به معنای زیبایی و نکویی آمده است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲، ۲۵۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵) تعبیر حسنه و حسنات در قرآن تنها و بدون همراهی با عمل و فعل به کار رفته است و شاهد ترکیب ایمان و عمل حَسَن نیستیم. این مطلب نشان‌دهنده آن است که تعبیر حسنه و حسنات کاربردهای عام‌تری نسبت به عمل صالح دارند. همراهی جاء و حسنه در آیات مزبور، عملی است که انسان با خود حمل کرده و با خود به آخرت برده است. برخی از مهم‌ترین مفاهیم حسنات در قرآن کریم عبارت‌اند از:

۴-۱- انفاق مال در راه خدا

«مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهَ قرضًا حسنًا فيضاعفه له أضعافًا كثيرة...» (بقره/۲۴۵) و «إِنْ تُقرضُوا اللهَ قرضًا حسنًا يضاعفه لكم...» (تغابن/۱۷)، پرداخت زکات و صدقه‌دادن: «إِنْ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللهَ قرضًا حسنًا يضاعف لهم ولهم أجرٌ كريمٌ» (حدید/۱۸) در زمره حسناتی است که با تعبیر «یضاعف» به معنای افزودن شیء به مثل خود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳، ۳۶۲) دو برابر یا بیشترکردن چیزی (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷، ۳۲) ذکر شده است. در این آیات اعمال انسان به عنوان چیزی قابل اندازه‌گیری، مفهوم‌سازی شده که بر آن افزوده می‌شود؛ یعنی آن مالی که انفاق می‌شود، جمیع انفاقات واجب و مستحب، حتی هر عبادتی را که توقّف بر بذل مال باشد، نیز شامل می‌شود و خداوند هم در دنیا و هم در آخرت اضعاف مضاعف عنایت می‌فرماید. (طیب، ۱۳۸۷: ۳، ۳۶)

۴-۲. خیر

این مفهوم در مقابل شر و به معنای چیز مطلوب و مرغوب است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳، ۱۷۶) در برخی از آیات قرآن، خیر به معنای نیکی به کار رفته است؛ مانند: «قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلِذَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ» (نحل/۳۰) همچنین قرآن، اعمال انسان را که به عنوان اندوخته‌ای در نظر گرفته شده و به سوی مقصدی پیش فرستاده می‌شود، نیز خیر نامیده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱، ۲۲۸؛ ۱۹، ۲۱۷) مانند: «مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ» (بقره/۱۱۰؛ مزمل/۲۰) منظور از تعبیر «ما قدم» در این آیات حسناتی است که پیش فرستاده شده است.

۴-۳. حُب اهل بیت (علیهم السلام)

از دیدگاه مفسران شیعه، در قرآن کریم مودت آل محمد (صلی الله علیه و آله)، «حسنة» نام گرفته است و خداوند به خاطر همین دوستی اهل بیت، گناهان افراد را می‌بخشد و تشکر هم می‌کند. «عِبَادَةُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً زَدَّ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ﴿ (شوری/۲۳) «حُسْنًا» به معنای زیبایی است و خداوند می فرماید بر زیبایی حسنه او می افزائیم. (طیب، ۱۳۸۷: ۱۵، ۴۸۱) یعنی آن را جزای مضاعف می دهیم و ده برابر و بیشتر به شمار می آوریم. خداوند بشارت می دهد به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند که کسی که در مودت و محبت ذی القربی کوشا باشد، حسنات او زیاد می شود.

۴. ۴. جبران و دفع بدی ها

همراهی ریشه های فعلی «ذهب» و «درء» با حسنات و احسان، جبران و دفع بدی را به ذهن متبادر می کند. «يُذْهِبَنَّ» باب افعال و از ریشه ذَهَبَ، به معنای رفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۱) پشت کردن و حرکت کردن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳، ۳۶۵). درباره آیه ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ﴾ (هود/۱۴) گفته می شود: نماز چون حسنات در دل های مؤمنان وارد شده و آثار معصیت و تیرگی های کسب شده در دل هایشان از ناحیه سیئات را از بین می برد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۵۸) همچنین در آیات ﴿وَيَذْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد/۲۲)، ﴿وَيَذْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾ (قصص/۲۸) شاهد این معنا هستیم. یذروُن از ماده درء، در لغت به معنای دفع کردن ذکر شده است؛ دفع کردنی که با شدت و به سبب مخالفت و خصومت با دفع شوندند صورت می گیرد.

۴. ۵. نور

خداوند متعال در آیات متعددی سخن از زنان و مردان مؤمنی می کند که روز قیامت نورشان پیشاپیش و سمت راست آنها شتابان در حرکت به مقصدی حقیقی است که از ابتدا در آن گام نهاده اند: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (حدید/۱۲) مراد از نوری که سمت راست انسان مؤمن در حرکت است، حسنات است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴، ۴۷۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۳۳۶) و مراد از نوری که پیشاپیش آنها در حرکت است، نور ایمانشان است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰، ۱۰۵) گویی حسنات مانند نوری است که مسیر را برای انسان روشن و انسان با آن در مسیر صحیح و به مقصد حقیقی گام بر می دارد.

۴. ۶. رفاه

﴿ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ﴾ (اعراف/۹۵) برخی از مفسران، «حسنة» را در این آیه به آسایش و رفاه مادی تفسیر کرده اند. (طوسی، بی تا: ۴، ۴۷۵) یعنی آسایش و رفاهی که در زندگی این دنیا نصیب انسان خواهد شد.

۴. ۷. حُسن بودن افعال الهی

از دیدگاه قرآن کریم آنچه به خداوند مربوط است، از حُسن جدا نیست. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۸۰، ۹۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲، ۱۱۴) به عنوان نمونه ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نساء/۷۹) چون خداست که شاهد بر ظاهر و باطن اعمال است و در برابر حسنه اجر می دهد و از سیئه در می گذرد یا به مانند آن عقوبت می نماید.

۵. مفهوم عمل صالح در قرآن کریم

یکی از اوصافی که برای حسنات در قرآن ذکر شده است، وصف «صالح» است. صالح از ریشه صلح در مقابل فساد است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲، ۵۱۶) و درباره ذات، اندیشه و عمل به کار می رود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶، ۳۲۲) و بیشترین کاربرد آن درباره «عمل» است.

از منظر قرآن، «عمل صالح» عملی است در چارچوب اوامر الهی. این عمل همگام با سنت های حاکم بر جهان آفرینش، مقبول طبع مؤمن و متناسب با عقل و شریعت و در راستای تزکیه انسان است. همراهی ایمان و عمل صالح در قرآن نشان دهنده آن است که از منظر الهی، عملی مقبول است که نشأت گرفته از ایمان و اعتقاد حقیقی به توحید، معاد و نبوت باشد. (اکبری راد، ۱۳۸۷: ۳۹-۶۰) همچنین ترکیب «عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ» و به کاربردن فعل به صورت مادی، دلالت بر ثبات و دوام دارد. برخی از مفاهیم عمل صالح در قرآن کریم عبارت اند از:

۵. ۱. اجر

در قرآن کریم واژه های «اجر» و عمل صالح در نوزده آیه با هم و به مفهوم کار و فعالیت جسمانی، بیان شده است. برای نمونه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾ (بقره/۶۲؛ مائده/۹؛ کهف/۲؛ احزاب/۳۱) اجر در لغت به معنای اجرت، دستمزد و حقوقی است که در مقابل کار پرداخت می شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱، ۶۲) انسان در برابر کاری که انجام می دهد، دستمزد دریافت می کند. از دیدگاه قرآن، زندگی دنیا به عنوان مزرعه و مکانی است که در آن به تجارت (بقره/۱۶؛ آل عمران/۱۷۷) و زراعت (شوری/۲۰) پرداخته می شود که با کار جسمانی در ارتباط است. خداوند می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَأَنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (آل عمران/۱۸۵) واژه «وفی» در لغت به معنای پرداخت کردن اجر و حق کسی به طور کامل و تمام است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۷، ۲۳۰)

حق تعالی در روز قیامت مزد و اجر همه اعمال نیک و بد را به صورت کامل و تمام پرداخت خواهد کرد. همچنین آیه ﴿أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (آل عمران/۱۹۵)، «عامل» در لغت به معنای کسی است که با دست، کاری را انجام می دهد. (بستانی، ۱۳۷۰:

۶۱) انسان، کارگزاری است که در دنیا برای رسیدن به اجر و مزد شایسته عملش تلاش می‌کند. به هر عمل نیکی اجر تعلق خواهد گرفت، اما اجر عملی که با ایمان و با آگاهی و علم انجام شده، از دوام و ثبات برخوردار خواهد بود.

۵. ۲. بذر و حبه

با توجه به آیات قرآن اگر عمل انسان به اندازه دانه خردل باشد، باز محاسبه می‌شود. «حَبَّةٌ» در لغت اسم جنس برای گندم است، اما در کل به بذر و دانه‌ای گفته می‌شود که در خوشه یا غلاف باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱، ۱۳۱) به عنوان نمونه در آیه ﴿وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ (انبیاء/۴۷) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَك مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ﴾ (لقمان/۱۶) دلالت دارد بر آنکه مطلق دانه‌های ریز را خردل گویند. مراد از «حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ» دانه خردل یا مراد وزن دانه به سبکی وزن خردل است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳، ۴۴) بنابراین مراد از «حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ» مبالغه در دقت میزان را می‌رساند؛ یعنی کوچک‌ترین ذره‌ای که به چشم نمی‌آید، در روز قیامت سنجش می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴، ۲۹۲) عنوان دانه و حبه، به نوعی مرتبط با عمل جسمانی است. مثلاً دنیا مزرعه است؛ یعنی در مزرعه دنیا، انسان به نوعی افشاندنده بذر عمل خویش است و محصول این مزرعه هر چند ناچیز، ارزش‌گذاری می‌شود.

۵. ۳. برّ

در میان اعمال صالح، «برّ» جایگاهی مرتفع دارد و از اوصافی است که درباره اعمال صالح در قرآن به کار رفته است. «برّ» در لغت به معنای نیکی گسترده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۴) در آیه ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ...﴾ (بقره/۱۷۷) به مجموع ایمان و اعمال صالح که به برخی از آنها در آیه اشاره شده، «برّ» اطلاق شده است. «برّ» به ایمان به خدا، ایمان به روز جزا و انبیاء پیشین، انفاق مال، بر پا داشتن نماز، وفای به عهد و بردباری از مصادیق آن به شمار می‌رود. کاربرد «برّ» به صورت مصدر نشان‌دهنده تأکید بر عمل صالح است؛ گویی فرد در این اعمال غرق شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱، ۵۹۸) «برّ» عمل نیکی است که با توجه و قصد و اختیار انجام شود. توجه و قصد، وجه تفاوت «برّ» با «خیر» است؛ زیرا خیر به هر نوع نیکی حتی بدون توجه اطلاق می‌شود. (عسکری، ۱۴۱۸: ۱۶۴) همچنین در آیه ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران/۹۲) همراهی «برّ» و «تنالوا» عمل نیک مکان، به ذهن متبادر می‌شود. تنالوا از نیل، به معنای رسیدن یا دست یافتن به چیزی است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲، ۳۴۳) ۵. ۴. درجات

همراهی «عمل» و «درجه» موجب تبادر پلکان و نردبان از این مفهوم به ذهن می‌شود: ﴿وَلِكُلِّ

دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿انعام/۱۳۲﴾ ﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾ (احقاف/۱۹) درجه از مادهٔ درج، به معنای حرکت دقیق، با احتیاط، تدریجی و گام به گام، در مفهوم بالا رفتن چه از حیث مادی و چه از حیث معنوی ملحوظ است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۹) انسان با عملش گام به گام به سمت مقصد برگزیده حرکت می‌کند. حال چنانچه عمل انجام‌دهنده صالح باشد، عملش مانند پله‌ای برای صعود خواهد شد. هر فرد به میزان حرکت صعودی که در راستای رسیدن به مقصد برداشته است، به همان میزان به موقعیت مکانی بالاتر یا به عبارتی برتر دست می‌یابد.

۵.۵. عمل حاضر

با توجه به گستردگی اعمال انسان، عملی که حاضر باشد، جزو حسنات محسوب می‌شود و می‌توان به عمل انسانی که احضار می‌شود، اشاره کرد. مؤید آن آیات ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا﴾ (آل عمران/۳۰) و ﴿وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا﴾ (کهف/۴۹) و ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ﴾ (تکویر/۱۴) می‌باشد. حَضَرَ، در اصل به معنای مواجه شدن با چیزی است که غایب بوده است که مشاهده، اشراف و قرب از لوازم و آثار آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲، ۲۸۰) این لفظ به صورت اسم برای شهادت دادن و حاضر شدن در مکانی، یا گواهی دادن انسانی به کار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۱) اما مراد از «محضراً» در عبارت ﴿مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا﴾ (آل عمران/۳۰) به معنای حاضر کردن موجود غایب از انظار است که دلالت بر محفوظ بودن اعمال نزد خدا دارد و علم و حفظ خداوند بدان‌ها در دنیا است و روز قیامت برای صاحبانش اظهار می‌دارد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳، ۱۵۶)

البته این‌گونه نیست که عمل خود به خود حاضر باشد، بلکه آن را حاضر می‌کنند: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا﴾ (آل عمران/۳۰)، چنان‌که عامل را حاضر می‌کنند: ﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُّحْضَرُونَ﴾ (یس/۵۳) احضار نسبت به حضور، تعبیری تند است که در آیه ﴿وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا﴾ (کهف/۴۹) ملایم‌تر می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲، ص ۹۹)

۶.۵. اسباب اولیه معیشت انسان در آخرت

عمل انسان در دنیا اسباب معیشت وی در سرای آخرت را فراهم می‌کند. از اسباب اولیه معیشت انسان در این دنیا خوراک و پوشاک است. از آنجا که تقوا در زمرهٔ اعمال صالح در قرآن محسوب می‌شود، پوشاک نیز، از آن جمله است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۸، ۷۰-۷۱) مؤید آن، این آیات است که می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ﴾ یا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ

أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿﴾ (اعراف/۲۶-۲۷) در این آیات پس از سخن درباره لباس ظاهر به لباس باطن پرداخته که سیئات باطنی انسان را می پوشانند و انسان را از اعمال سیئی باز می دارد. قرآن تقوا را بهترین لباس برای پوشش انسان معرفی کرده است.

همچنین واژه «ثياب» به معنای پوشش، از ماده «ثوب» به معنای رجوع و بازگشت می باشد. لباس را به آن دلیل «ثوب» می گویند که مواد خام رشته شده به حالتی که مقصود را اصلی از بافتن بیان می دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶، ۵۳۸) انسان با تار و پود اعمال خویش، پارچه خود را می بافتد و اگر اعمال صالح باشد، تار و پود پارچه و لباسش از خیر است و اگر اعمال سیئه باشد، تار و پود آن از شر خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۳، ۱۸۸) بر این اساس در وصف نعمت های بهشتی و در توصیف لباس بهشتیان، آنها را از «حریر» (حج/۲۳) «سندس» (کهف/۳۱) و «استبرق» (دخان/۵۳) یاد می کند که همه اینها از اعمال صالح ایشان نشأت می گیرد.

خوراک های بهشت یا جهنم نیز به نوعی ظهور همین اعمال است؛ از این رو زمانی که خوراک های بهشت و جهنم بررسی می شود، به این مطلب دست یافته می شود که خوراک مد نظر در واقع همان اعمال افراد است که در این دنیا انجام داده و آن روز به صورت خوراک اعم از غذا، میوه یا نوشیدنی و ... دیده می شوند. برای نمونه در آیات ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (طور/۱۹) ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ (حافه/۲۴)، ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (مرسلات/۴۳) اعمال انسان به عنوان خوراک به ذهن متبادر می شود. در آیات سوره های طور و مرسلات، سبب اطعام و پذیرایی صورت گرفته از نیکوکاران را، اعمال نیکی می داند که در دنیا انجام داده اند. (ابن عاشور، بی تا: ۲۷، ۶۰) در واقع اعمال صالح انسان منجر به این توفیق شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰، ۷۸۰) در این آیات آنچه خورده یا نوشیده می شود، در واقع اعمال صالحی است که انسان در دنیا برای بهره مندی از زندگی آخرت خود پیش فرستاده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴، ۶۰۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۰، ۲۶۱)

۵.۷. ستر و تکفیر

از جمله عناوینی که برای عمل صالح در قرآن برداشت می شود، پوشانندگی است که همراهی با کلماتی چون تکفیر و سیئات در این آیات مؤید این عنوان است. واژه «تکفیر» از ریشه کفر که اصل آن معنای ستر و پوشاندن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵، ۱۹۱) «تکفیر» بی اعتنایی، پوشاندن و پنهان داشتن است که گویی تحقق نیافته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۷) آثار این بی اعتنایی، محو و پوشاندن آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰، ۸۸) «تکفیر» در اصطلاح طاعتی است که سبب محو شدن و پوشاندن گناهان می شود (سبحانی، ۱۴۱۸: ۴۶۳) همچنین در علم کلام «تکفیر»، به معنای از میان رفتن مجازات اعمال سیئه با اعمال نیک است. (طیاری دهقانی، ۱۳۸۰: ۲۰-۳۵) در

بیشتر کاربردهای «تکفیر» در قرآن، واژه «سینه» متعلق آن قرار گرفته است، «سینه» از ریشه سوء و جمع آن «سینات» است و به هر کار ثابت و متصف شونده بدی در آن اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵، ۳۰۷) در آیات قرآن اعمال صالح ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾ (عنکبوت/۷)، توبه نصوح ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (تحریم/۸)، تقوا ﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾ (طلاق/۵)، هجرت و جهاد در راه خدا ﴿فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾ (آل عمران/۱۹۵) و در نهایت اعمالی چون بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، پرداخت صدقه در نمان و آشکار، ایمان به پیامبران و یاری آنها در امر دین از جمله اعمال نیکی است که تکفیر سینات را با خود به همراه دارد. (ر.ک: بقره/۲۷۱؛ مائده/۱۲)

۵.۸. فضیلت، هدایت، نور و تقوا

خداوند متعال ملاک برتری و فضیلت انسان‌ها را این گونه بیان می‌دارد: ﴿...كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ (توبه/۱۹) ایمان به خدا و روز قیامت، ملاک این برتری نزد خداست. همچنین قرآن کریم برخوردار از نعمت هدایت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ...﴾ (یونس/۹)، و ورود به بهشت: ﴿قَالَ أَجْنُنَا لِنُخْرِجَنَّا مِنْ أَرْضِنَا بِسُحْرِكُ يَا مُوسَىٰ﴾ (طه/۵۷) را از مصادیق عمل صالح بر می‌شمارد. از منظر قرآن بهترین توشه برای طی سفر الی الله، عمل صالح تقوا است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ﴾ (بقره/۱۹۷) از آیه مزبور زاد و توشه، به ذهن متبادر می‌شود. نائل شدن به این دست از نعم الهی، موجب نجات از خسران و زیان می‌گردد: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر/۲-۳)

۵.۹. بسترسازی و زمینه‌سازی

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ فِيهِمْ يَمْهَدُونَ﴾ (روم/۴۴) «یَمْهَدُونَ» از ماده مهد، به معنای آماده کردن مکانی برای سکونت و استراحت است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۱، ۲۰۶) «مهاد» مانند «فرش»، چیزی است که انسان آن را برای خود پهن می‌کند تا بستر استراحت خویش را مهیا کند. برخی از انسان‌ها این فرش را با عقیده، اخلاق و اعمال صالح می‌گسترند. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶، ۱۹۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶، ۷۴۹) مانند اینکه مسافری پیش از ورود به منزل، کسی را مأمور می‌کند تا منزل او را نظافت کند، فرش خانه را بگسترده تا وقتی وارد می‌شود، منتظر چیزی نباشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲، ۴۸۶)

۵.۱۰. سعی، مشی و حرکت

حرکت کلمه دیگری است که قرآن برای مفهوم‌سازی اعمال نیک از آن بهره گرفته است. در

برخی از آیات قرآن برای بیان این مهم که انسان در آخرت با اعمالش روبه‌رو خواهد شد و اعمالش را به یاد خواهد آورد، از تعبیر «سعی» بهره گرفته شده است. سعی را تند راه رفتن آرام‌تر از دویدن گویند که در جدیت و کوشش در کار کاربرد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۱)

ابن عاشور علاوه بر در نظر گرفتن مثنی سریع برای سعی، معنای تلاش در کسب و کار را نیز بیان کرده است. (ابن عاشور، بی تا: ۲، ۲۵۲) انسان مالک اعمال خویش ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نازعات/۳۵) است. لام در «لانسان» لام مالکیت حقیقی است، نه مالکیت اعتباری؛ به این معنا که انسان مالک حقیقی اعمال خویش است و مادامی که انسان هست، عملش نیز هست و هرگز از انسان جدا نخواهد شد و در سرای آخرت نیز تمام اعمال انسان چه نیک و چه بد همراه اوست. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۴۶-۴۷) مفاهیمی چون مقصد، مسافر و ... برای مفهوم‌سازی زندگی، آخرت، خدا و انسان ... بهره گرفته می‌شود: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/۱۵۶)، ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (هود/۴)

۵. ۱۱. حیات طیبه

طبق آیات قرآن کریم عمل صالح به عنوان ملاک برخورداري از معنویت و نور بیان شده است: ﴿يُخْرِجُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (طلاق/۱۱) دستیابی به نور الهی موجب برخورداري از حیات طیبه مد نظر خداوند می‌گردد: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (نحل/۹۷)

۶. همنشینی حسنات و عمل صالح با کلمات مختلف

با توجه به آنچه بیان شد، حسنات و عمل صالح دارای حوزه معنایی مخصوص به خود هستند که با توجه به کاربردهای مختلف قرآنی آنها، قابل تقسیم‌بندی به شرح زیر می‌باشند:

واژه	همنشینی دو واژه با هم	اطلاق واژه به هر نوع فعل	همنشینی با واژه "جاء"	همنشینی با واژه "عمل"	استمرار و فعال بودن در قیامت	همنشینی واژه با "ایمان به خدا"	میزان و ملاک شرعی بودن فعل و عمل	همنشینی با واژه "بدهن"
حسنات	تنها در آیه ۲۳ سوره شوری	✓	✓		✓	تنها در آیه ۲۳ سوره شوری	✓	✓
عمل صالح	تنها در آیه ۲۳ سوره شوری			✓		✓	✓	

نتیجه‌گیری

قرآن شبکه‌ای در هم تنیده از واژگان مفهومی است که اساس نگرش و جهان‌بینی قرآنی را تشکیل داده و ابزاری برای سازماندهی به تفکر و فهم دینداران است. در بررسی انجام‌شده پیرامون تفاوت حسنات و اعمال صالح در قرآن یافته‌های زیر حاصل شد:

۱- تعبیر حسنات در قرآن کریم تنها و بدون همراهی با عمل و فعل به کار رفته است. از این رو اطلاق در بیان آن، حسنه و حسنات را دارای کاربردهای عام‌تری نسبت به عمل صالح می‌کند. ولی عمل صالح، اعمالی است که انسان با خود حمل کرده و در قیامت آورده است.

۲- عمل صالح یک عمل مقید به دین و شرع است، اما حسنات مقید به شرع نیست.

۳- در قرآن کریم ایمان همراه عمل صالح مطرح شده است؛ زیرا کسانی عامل به صالحات خواهند بود که در ابتدا به ادیان ایمان آورده باشند. مفاهیمی چون کار جسمانی، ستر، نور، پوشاک، خوراک، زاد و توشه و ... از مصادیق عمل صالح به شمار می‌روند. این مفاهیم، اغلب از حوزه‌های ملموسی است که برای بشر قابل درک است. این مطلب نشان‌دهنده آن است که قرآن کریم برای مفهوم‌سازی اعمال صالح از واژگانی بهره گرفته که اختصاص به مخاطبان عصر نزول ندارد و برای همه افراد و در همه اعصار، قابل درک و فهم است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا): «التحریر و التنبیر»، بی‌جا: بی‌نا.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴): «مقاییس معجم مقاییس اللغه»، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰): «البحر المحیط فی التفسیر»، بیروت: دارالفکر.
- اکبری‌راد، طیبه (۱۳۸۷): «تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل صالح»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۱۷.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۰): «فرهنگ ابجدی»، ترجمه رضا مهبیار، تهران: انتشارات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۷): «معاد در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سبجانی، جعفر (۱۴۱۸): «منشور جاوید»، قم: مؤسسه امام صادق.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۳): «رویکرد فرازبان طبیعی: فرض‌ها، مفاهیم و اهداف»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۷.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: جامعه مدرسان.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالتراث العربی.
- طیار، دهاقانی، مصطفی جعفر (۱۳۸۰): «عمل در ترازوی حق (احباط، تکفیر، موازنه)»، قم: اسلامی.

- طيب، عبدالحسين (۱۳۷۸): «اطيب البيان في تفسير القرآن»، تهران: انتشارات اسلام.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۸): «الفروق اللغويه»، قاهر: دارالعلم و الثقافه.
- فخرالدين رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): «مفاتيح الغيب»، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- قرشي، سيد علي اكبر (۱۳۷۷): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الإسلاميه.
- كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷): «الكافي»، تصحيح علي اكبر غفاري، تهران: دارالکتب الإسلاميه.
- مصطفوي، حسن (۱۴۳۰): «التحقيق في كلمات القرآن الكريم»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
- مكارم شيرازي، ناصر و جمعي از نويسندگان (۱۳۷۴): «تفسير نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلاميه.
- هاشمي، احمد (۱۴۱۲): «جواهر البلاغه»، قم: مصطفوي.

Bibliography

- Holy Quran
- Ibn Ash'ur, Muhammad ibn Tahir (Bita): "Tahrir and Enlightenment", Bija: Bina.
- Ibn Faris, Ahmad (1404): "Comparison of the Dictionary of Comparison of Language", Tehran: Islamic Sciences Publications.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414): "Language of the Arabs", Beirut: Dar Saderat.
- Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1420): "The sea of environment in interpretation", Beirut: Dar al-Fikr.
- Akbararad, Tayeb (2008): "The difference between the views of commentators and semantic views in relation to the concept of righteous action", Scientific Quarterly, Religious Research, No. 17 ..
- Boštani, Fouad Afram (1991): "Abjadi Culture", translated by Reza Mahyar, Tehran: Islamic Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2009): "Tasnim", Qom: Esra Publishing Center.
- (2008): "Resurrection in the Quran", Qom: Esra Publishing Center.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412): "Vocabulary in the stranger of the Qur'an", Beirut: Dar al-Alam al-Dar al-Shamiya.
- Zamakhshari, Mahmoud (1407): "Discovering the truths of the obscure of revelation", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sobhani, Jafar (1418): "Eternal Charter", Qom: Imam Sadegh Institute.
- Sajjadi, Seyed Mehdi (2014): "Natural Translingual Approach: Assumptions, Concepts and Objectives", Quarterly Journal of Western Iran Language and Dialect Studies, No. 7.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1417): "Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran", Qom: Society of Teachers.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (Bita): "Explanation in the interpretation of the Qur'an", Beirut: Dar al-Tarath al-Arabi.
- In Tayari Dehaghani, Mostafa Jafar (2001): "Acting on the scales of truth (fear, takfir, balance)", Qom: Islamic.
- Tayeb, Abdolhossein (1999): "Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Islam Publications.

- Askari, Abu Hilal (1418): "Linguistic sects", Cairo: Dar al-Alam and Al-Thaqafa.
- Fakhruddin Razi, Muhammad ibn Umar (1420): "The keys of the unseen", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar (1998): "Quran Dictionary", Tehran: Islamic Library.
- Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1407): "Al-Kafi", edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Library.
- Mustafawi, Hassan (1430): "Research in the words of the Holy Quran", Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Makarem Shirazi, Nasser and a group of writers (1995): "Sample Interpretation", Tehran: Islamic Library.
- Hashemi, Ahmad (1412): "Jewel of rhetoric", Qom: Mustafavi.



سال سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
بهار و تابستان
۱۳۹۹